

گزارش «ایران» از فیلم اولی‌هایی که دچار حاشیه شدند؛ به بهانه اکران فیلم «ضد» کارگردانانی که با «جنجال» کلید زدند!

دومین فیلمش یعنی «ضد» در حالی به اکران رسیده است که مخاطبان عام هنوز اولین فیلمش را ندیده‌اند. در گزارش پیش رو، سراغ کارگردانانی رفته‌ایم که فیلم اولشان با حاشیه مواجه شد و هر یک در ادامه مسیری متفاوت را در سینما تجربه کردند. این فهرست می‌تواند نمونه‌های دیگری را هم در خود جای دهد و ما در این گزارش به پنج فیلمساز و تجربه شاخص در سینمای ایران پرداخته‌ایم.

گروه از فیلمسازان معمولاً فرصت مواجهه مخاطب با اولین ساخته‌شان را به دلیل سایه سنگین همین حواشی از دست می‌دهند و این می‌تواند تجربه‌ای غیرجذاب برایشان قلمداد شود. امیرعباس ربیعی یکی از همین فیلمسازان است که در سال‌های اخیر با چنین تجربه‌ای مواجه بوده است؛ فیلم «لباس شخصی» به‌عنوان اولین ساخته سینمایی او، همچنان در پلانکتیفی به سر می‌برد و

جذاب در رسانه‌های سینمایی هم بازخوانی کارنامه فیلمسازی است که با همان اولین فیلم خود درخشیدند و مورد تحسین قرار گرفتند، از واروژ کریم‌مسیحی گرفته تا سعید روستایی. در میان این دو گروه اما می‌توان از گروه سومی نام برد که تجربه نخست‌شان، فارغ از ارزش‌ها و ویژگی‌های سینمایی، گرفتار حاشیه می‌شود و به‌نوعی گام اول ورودشان به دنیای سینما یا حاشیه عجبین می‌شود. این

همیشه اولین‌ها در هر حوزه‌ای مملو از جذابیت‌هایی خاص هستند و برای ورود به هر میدانی، گام اول در کار ملاحظات و حساسیت‌ها، جلالت ویژه‌ای هم دارد. دنیای سینما و مشخصاً فیلمسازی هم از این قاعده مستثنی نیست و تقریباً می‌توان گفت برای همه کارگردانان مطرح سینما، هنوز هم تجربه‌ای که در اولین ساخته‌شان پشت سر گذاشتند، تجربه‌ای ناب و تکرارنشدنی

سینما

زهرا منصور

خبرنگار



چالش میرباقری با اولین زن پوشی عبدی

داوود میرباقری / آدم برفی:

داوود میرباقری بی‌شک یکی از ستون‌های اصلی سریال‌سازی تلویزیون در چهارده‌گذشته محسوب می‌شود. کارگردانی که فراتر از تسلط بر ابزار سینما، زبان روایت و هنر نمایش را هم به خوبی می‌شناسد و به پشتوانه تجربه‌های غنی خود در تئاتر، سریال‌های ماندگاری را در قاب تلویزیون به یادگار گذاشته است. اما شاید بد نباشد بدانید که یکی از دلایل فاصله این کارگردان از عرصه فیلمسازی در سینما اتفاقی است که برای اولین تجربه‌اش در این عرصه رقم خورد. میرباقری در اولین گام خود برای ورود به دنیای کارگردانی سینما در سال ۱۳۷۳ فیلم «آدم برفی» را کارگردانی کرد. این فیلم روی یکی از سوزوهای داغ آن سال‌ها یعنی مهاجرت دست گذاشته بود اما آنچه زمینه‌ساز جنجال‌ها پیرامون این فیلم شد، کیفیت نقش‌آفرینی اکبر عبدی در آن و «زن پوشی» او بود. فیلم در جشنواره سیزدهم فجر رونمایی شد اما به دلیل واکنش‌های برخی گروه‌ها به محاق توقیف رفت. سه سال بعد در سال ۱۳۷۶ فیلم اجازه اکران عمومی پیدا کرد اما همان گروه‌های مذکور فیلم را از سدر سر سینماها پایین کشیدند. همه این حواشی در کنار عدم همراهی و پشتیبانی مدیران وقت سینمایی، باعث شد میرباقری از ورود به دنیای سینما دلسرد شود و بعدها هم دیگر نتوانست تجربه موفق‌تری را در این عرصه به سرانجام برساند. واقعیت تلخ هم اینکه سال‌ها بعد نه فقط فیلم بلااشکال شناخته شد که به‌واسطه بازبخت چندباره آن از تلویزیون، مخاطبان بسیاری به تماشای آن نشستند. نکته مهم‌تر هم اینکه روایت‌های شفاهی برخی افراد مرتبط با سینما، بعدها این واقعیت را افشا کرد که رهبر انقلاب نظر مثبتی نسبت به «آدم برفی» داشته‌اند و اساساً به‌واسطه همین اعلام نظر مشکل فیلم برای عرضه برطرف شده است.



قدرت‌های فراقانونی در برخورد با لباس شخصی

امیرعباس ربیعی / لباس شخصی:

بهانه اصلی این گزارش اکران فیلم «ضد» به کارگردانی امیرعباس ربیعی است؛ فیلمی که این روزها با روایتی ناگفته از پشت‌پرده بمبگذار منافیقین در دفتر حزب جمهوری در تابستان سال ۶۰ روانه پرده سینماها شده و به‌واسطه اشاره به موضوع نفوذ، می‌توان آن را در دسته فیلم‌های سیاسی با سوزوهای ملتهب در سال‌های اخیر هم قرار داد.

مسئله «نفوذ» دغدغه‌ای است که امیرعباس ربیعی در فیلم اول خود با صراحت بیشتری به آن پرداخته بود. «لباس شخصی» با سرمایه‌گذاری سازمان اوج به تولید رسید و روایت محوری آن به فعالیت‌های حزب توده در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب اختصاص دارد اما نام فیلم اشاره مستقیمی به تم اصلی آن با موضوع «نفوذ» دارد و از دشمنان و وابستگی می‌گوید که با لباس شخصی در بدنه دستگاه‌های دولتی نفوذ کرده‌اند. امیرعباس ربیعی پیش‌تر در گفت‌وگو با مهر درباره مشکل این فیلم این‌گونه توضیح داده بود: «واقعیت این است که مشکل فیلم «لباس شخصی» قبل از حضور فیلم در جشنواره سال ۹۸ آغاز شد. فیلم که در مراحل آماده‌سازی بود، چند روز مانده به جشنواره فجر، علی‌رغم اینکه اعلام شده بود پذیرفته شده است، زمزمه‌های توقیف مطرح شد؛ پیگیری‌هایی صورت گرفت تا توانستیم مجوز اکران فیلم در جشنواره فجر را کسب کنیم و امیدوار هم بودیم که بعد از جشنواره مشکل فیلم تا این اندازه حاد نشود و بتوانیم آن را به اکران برسانیم، اما متأسفانه این‌گونه نشد.»

او در تشریح دلایل این اتفاق گفته بود: «متأسفانه اعمال برخی قدرت‌های فراقانونی از سوی یکسری افراد و نهادها، برای فیلم «لباس شخصی» مشکلاتی را به‌وجود آورده، این فیلم از سوی مسئولان وقت وزارت ارشاد و سازمان سینمایی، پروانه نمایش هم دریافت کرده است اما همین قدرت‌های فراقانونی تا امروز جلوی پخش آن را گرفته‌اند. دوستان سازمان اوج هم پیگیری‌ها و تلاش‌های بسیاری تا امروز داشته‌اند اما همه آنها ناموفق بوده است. شاید برخی این تصور را داشته باشند که چون «اوج» نهادی وابسته به سپاه است، قدرتی دارد که می‌تواند جلوی توقیف فیلم‌هایش را بگیرد اما در واقعیت این‌گونه نیست.»

فیلم «لباس شخصی» یکی از مهمترین و چالش‌برانگیزترین فیلم‌های ساخته شده توسط یک فیلمساز فیلم‌اولی در سال‌های اخیر محسوب می‌شود که احتمالاً این روزها با تماشای فیلم دومش یعنی «ضد» کنجکاو‌های برای تماشای آن هم بیشتر خواهد شد.



ممنوعه‌های سینما

علی جعفرآبادی / مسیح پسر مریم:

می‌توان این فیلم را یکی از پرحاشیه‌ترین محصولات سازمان اوج معرفی کرد که هنوز هم به اکران عمومی درنیاخته است. «مسیح پسر مریم» محصول سال ۹۹ بود و انتظار می‌رفت که در جشنواره جهلم فجر در سال ۱۴۰۰ رونمایی شود اما کنار گذاشتن فیلم از سوی هیأت انتخاب جشنواره نقطه آغاز حواشی آن بود. این فیلم که اعلام شده بود درامی اجتماعی مرتبط با دهه ۵۰ دارد، به دلیل آنچه مشکل اعضای شورای پروانه نمایش با محتوای آن اعلام شد، برای حضور در فجر انتخاب نشد و این اتفاق باعث شد برای اولین بار یکی از مدیران سازمان اوج در نشست‌های رسانه‌ای اعتراض این سازمان علیه جشنواره فجر را علنی کند.

مخمس دریالعل مسئول مرکز فیلم و سریال «اوج» از پذیرش قواعد جشنواره گفت و در ادامه دلیل اعتراض را ظلم به فیلم عنوان کرد. او در ادامه این‌گونه مصداق ظلم به فیلم را تشریح کرد: «رسم امانت این است که دیگر فیلم را تعریف نکنند! جاهای حساس و شروع و پایان آن را لو دادند. اگر ادعای جشنواره یک رفتار حرفه‌ای است، حرفه‌ای برخورد کنند.»

اشاره دریالعل به مصاحبه بهروز افخمی به عنوان یکی از اعضای هیأت انتخاب بود که در پاسخ به دلیل حذف «مسیح پسر مریم» گفته بود: «این فیلم داستان یک فاحشه‌خانه پیش از انقلاب است که هرچند زنان این فیلم در سکانس‌هایی کلاه‌گیس به سر دارند، اما همه می‌دانیم فاحشه‌ها دکمه پیراهنشان را تا بالای گردن نمی‌بندند و پوشش دیگری دارند. در کل نمی‌توان در سینمای ایران تصویر درستی از آنها نشان داد و در این فیلم زنان فاحشه با این پوشش، خنده‌دار و غیرقابل باور نشان داده شده‌اند.» در مجموع اما فیلم «مسیح پسر مریم» همچنان در محاق پلانکتیفی است. علی جعفرآبادی کارگردان این فیلم سال گذشته فیلم دیگری به نام «راه شیری» را کارگردانی کرد که هنوز آن هم به مرحله عرضه و اکران نرسیده است. از طرف دیگر مدیران سینمایی در چند نوبت اعلام کردند دلیل پلانکتیفی فیلم اول این کارگردان، عدم پیگیری از سوی صاحبان اثر است و مشخص نیست آیا سازمان اوج برنامه‌ای برای رفع مشکل و عرضه «مسیح پسر مریم» دارد؟



سوءبرداشت‌های پشت پرده

حسین دارابی / مصلحت:

همین امسال اولین فیلمش روانه پرده سینماها شد؛ البته بعد از سه سال توقیف! حسین دارابی که پیش‌تر جزو فیلمسازان موفق در عرصه سینمای کوتاه بود، فیلم سینمایی «مصلحت» را در سال ۱۳۹۹ ساخت تا به‌صورت رسمی وارد میدان کارگردانی سینمای بلند شود. این فیلم که محصول مشترک حوزه هنری و سازمان اوج بود، بعد از رونمایی در جشنواره فیلم فجر، به‌طرز عجیبی به محاق توقیف رفت و به دلیل سوءبرداشت برخی مقامات قضایی نسبت به خط داستانی آن تا همین امسال فرصت اکران عمومی را به دست نیاورد.

حسین دارابی و محمدرضا شفا به‌عنوان کارگردان تهیه‌کننده این فیلم اما در همین فاصله دست به کار فیلم بعدی خود شدند و «هناس» را با سوزو ملتهب دیگری با محوریت زندگی یکی از شهدای ترور، به سرانجام رساندند. فیلم دوم دارابی، پیش از فیلم اولش فرصت اکران عمومی به دست آورد. این فیلم با تمام جنجال‌ها و نگرانی‌ها، امسال به اکران عمومی درآمد و از چند هفته پیش هم نسخه اکران آنلاین آن با استقبال ویژه مخاطبان همراه شد.



برداشت سیاسی از تعارض میان غیرت و مصلحت

رضا زهتابچیان / دیدن این فیلم جرم است:

این فیلم هم یکی از محصولات پرحاشیه و پرسروصدای باشگاه فیلم سوره به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفا بود که رونمایی از آن در جشنواره سبی و هفتم فیلم فجر، بازتاب‌ها و جنجال‌های بسیاری به همراه داشت. محور اصلی فیلم جوانی بسیجی است که به‌واسطه حادثه‌ای که برای همسرش اتفاق می‌افتد، یکی از مستشاران انگلیسی را بازداشت می‌کند و حالا تعارض میان آنچه او غیرت می‌داند با آنچه مسئولان ارشد نظامی و سیاسی کشور، مصلحت می‌دانند، چالش اصلی فیلم را شکل داده است. رضا زهتابچیان تا قبل از این فیلم کارگردان شناخته‌شده‌ای در سینما نبود اما جسارت او در پرداختن به سوزوهای ملتهب در اولین تجربه فیلمسازی‌اش در سینما، بازتاب بسیاری در فضای رسانه‌ای پیدا کرد. «دیدن این فیلم جرم است» بعد از رونمایی در جشنواره فیلم فجر به محاق توقیف رفت و جالب اینکه مسئولان وقت سینمایی به‌صورت مستقیم پای توقیف آن نمی‌ایستادند و حاضر به موضع‌گیری صریح درباره وضعیت آن نبودند؛ تا جایی که تهیه‌کننده فیلم دست به قلم شد و خطاب به مدیران سینمایی نامه‌ای سرگشاده نوشت و خواستار تعیین تکلیف فیلم شد. همین چالش‌ها و جنجال‌ها اکران عمومی فیلم را به مدت دو سال به تعویق انداخت اما سرانجام فیلم اکران شد. زهتابچیان هنوز فیلم دوم خود را ناساخته است.